

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۸، ۴۵-۶۵

## تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان ساختار در فرهنگ‌های دوزبانه روسی به فارسی

هادی بهارلو\*

محمدرضا محمدی\*\*، مهین سلیمانی\*\*\*

### چکیده

این پژوهش میزان استاندارد بودن فرهنگ‌های روسی به فارسی را از نظر معیارهای خردساختار و کلان‌ساختار در فرهنگ‌نویسی نقد و بررسی می‌کند. در علم فرهنگ‌نگاری معاصر، این‌که یک فرهنگ چگونه باید باشد و استانداردهایی که در تدوین فرهنگ باید مدنظر قرار گیرند، معمولاً در دو سطح کلان‌ساختار و خردساختار فرهنگ‌ها تعریف می‌شود. در این پژوهش، نخست الزامات تدوین فرهنگ‌ها در این دو سطح در منابع مختلف روسی بررسی می‌شود. سپس، مجموعه الزامات پایه و معیاری را که در تدوین فرهنگ‌های دوزبانه باید رعایت شوند، به صورت فهرستی کلی برای تدوین فرهنگ‌های دوزبانه ارائه داده خواهد شد. در مرحله نهای این فهرست برای ارزیابی سه فرهنگ پرکاربرد روسی به فارسی به کار رفته است. دستاورد اصلی این کار پژوهشی امکان استفاده از فهرست تنظیمی هم در تدوین فرهنگ‌های دوزبانه و هم برای ارزیابی و تحلیل میزان استاندارد بودن فرهنگ‌های تدوین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ‌نگاری، فرهنگ دوزبانه، فرهنگ روسی به فارسی، خردساختار فرهنگ، کلان‌ساختار فرهنگ.

\* استادیار گروه زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، baharloo@modares.ac.ir

\*\* دانشیار گروه زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس، mrmoham@modares.ac.ir

\*\*\* کارشناس ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، soleimani.mhn@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

## ۱. مقدمه

فرهنگ‌نگاری از قدیمی‌ترین و کاربردی‌ترین شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که زبان‌شناسان تعاریف مختلفی برای آن ارائه کرده‌اند. بر مبنای تعاریف زبان‌شناسان روس، هم چون نیکلای ماکسیموویچ شانسکی، دیتمار ایلیاشویچ روزنتال، ولادیمیر ولادیمیروویچ دویچینسکی، الگا سرگیونا آخمانووا، لودمیلا آکسیونو ویدنسکایا، والر ی پاولویچ بیرکوف، آلکساندر آلکساندروویچ رفورماتسکی، لئونید پیترویچ کریسین، فرهنگ‌نگاری علمی است که با تدوین و بررسی و استفاده از فرهنگ در ارتباط است. بنابراین، فرهنگ‌نگاری را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد؛ جنبه تئوری و جنبه عملی.

تاریخچه فرهنگ‌نگاری عملی در روسیه به سه دوره تقسیم می‌شود؛ دوره پیش از فرهنگ (قبل از قرن ۱۶)، دوره فرهنگ‌های اولیه (اواخر قرن ۱۶ تا اوایل قرن ۱۸)، و دوره توسعه و رشد فرهنگ‌نگاری (قرن ۱۹). در دوره اول، مفهوم فرهنگ به صورت امروزی نبود، اما پیدایش خط و نوشتن منجر به پاگرفتن فرهنگ‌های کوچکی شد که به آن‌ها «گلاساری» (glasari) /گلاس به معنای تفسیر یا ترجمه یک واژه نامفهوم می‌گفتند و معمولاً در پایان کتاب‌ها ارائه می‌شدند. علاوه بر این، مجموعه‌های واژگانی نیز با اهدافی از جمله آموزش شکل گرفتند که «ووکابولیار» (vokabul'iar) /ووکابول به معنای واژه خارجی به هم‌راه ترجمه آن در زبان مادری) نامیده می‌شدند. این واژه‌نامه‌ها به مرور از جنبه‌های گوناگون مثل ساختار و معنا کامل‌تر شدند. «گلاساری‌ها» بر اساس ماهیت واژگان به چهار دسته تقسیم می‌شدند: ۱) فرهنگ‌های اسلاوی - روسی که واژگان کتب کلیسای اسلاوها را تفسیر می‌کردند؛ ۲) فرهنگ‌های سمبلیک که در آن‌ها کلمات دارای معنای سمبلیک شرح داده می‌شدند؛ ۳) فرهنگ‌های ترجمه‌ای، مثل فرهنگ کلمات محاوره‌ای یونانی؛ ۴) فرهنگ‌های اسامی خاص که اسامی خاص کتاب مقدس را توضیح می‌دادند (Введенская 2007: 9).

در دوره فرهنگ‌های اولیه، تعداد فرهنگ‌های مرجع رشد قابل توجهی داشت و نخستین فرهنگ‌ها با عنوان «آزبوکونیک»ها /azbukovnik/ شکل گرفتند. این دوره را می‌توان دوره آغاز شکل‌گیری فرهنگ‌نگاری آموزشی دانست (Введенская 2007: 10). به نظر والتین پاولویچ وامپیرسکی، آزبوکونیک‌ها نمونه اولیه انواع فرهنگ‌های امروزی، مثل فرهنگ تفسیری، ریشه‌شناسی، تاریخی، و سایر فرهنگ‌ها بودند که با پیشرفت تئوری و عملی علم زبان پا گرفتند (Вомперский 1986: 18).

با توسعه زبان ملی معیار و نیز امکان چاپ کتاب، رشد فرهنگ‌نگاری نیز ادامه یافت. در دوره رشد فرهنگ‌نگاری، انواعی از فرهنگ‌ها مانند فرهنگ تفسیری، تاریخی، منطقه‌ای،

تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان ساختار ... ۴۷

ریشه‌شناسی، و نیز فرهنگ واژه‌های صنفی و تخصصی و خارجی نوشته شدند. در میان فرهنگ‌های تفسیری، فرهنگ تفسیری زبان روسی اثر ولادیمیر ایوانویچ دال که در سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۶۶ و در چهار جلد چاپ شد، نقش مهمی در توسعه فرهنگ‌نگاری ایفا کرد (Введенская 2007: 11; Лингвистический энциклопедический словарь 2002: 258).

اما نخستین بار در نیمه اول قرن بیستم، به مقوله فرهنگ‌نگاری تئوری دانشمند زبان‌شناس روس، لف ولادیمیرویچ شربا، توجه خاص کرد. فرهنگ‌نگاری تئوری نه تنها به بررسی مسائل مربوط به انتخاب و تعداد و ویژگی‌های واژگان و نحوه سازمان‌دهی آن‌ها می‌پردازد، بلکه ساختار مدخل‌ها، روش‌های ارائه تعاریف و اطلاعات درباره واژگان، انواع فرهنگ و تاریخچه فرهنگ‌نگاری را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد (Лингвистический энциклопедический словарь 2002: 259). از جمله نتایج مهم نظریات مختلف ارائه شده در حوزه فرهنگ‌نگاری تئوری، مجموعه استانداردها و معیارهایی است که برای تدوین یک فرهنگ استاندارد باید در نظر گرفته شوند و سپس محقق شوند که به نوعی پایه و اساس این کار تحقیقی به‌شمار می‌روند.

هدف اصلی این پژوهش بررسی استانداردها و معیارهایی است که برطبق علم فرهنگ‌نگاری تئوری روسی باید در تدوین فرهنگ‌های دوزبانه بدان‌ها توجه شود. سپس، میزان رعایت این استانداردها و الزامات در فرهنگ‌های روسی - فارسی پرکاربرد بررسی می‌شود. اطلاعات اولیه فرهنگ‌هایی که طی این پژوهش نقد و تحلیل خواهند شد در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. فرهنگ‌های روسی به فارسی پرکاربرد در ایران

نام فرهنگ	گردآورندگان	تعداد واژگان	سال انتشار	مخاطب	نوع فرهنگ
فرهنگ روسی به فارسی	اوفچینیکووا، ای. ک.، فروغیان، گ. آ.، بدیع، ش. م.	۳۶۰۰۰	۱۹۶۵	کاربر روسی زبان	ترجمه‌ای
فرهنگ روسی به فارسی	کلیفسوا، س. د.	۱۱۰۰۰	۱۹۷۵	کاربر فارسی زبان	آموزشی
فرهنگ روسی به فارسی (نسخه اول)	واسکانیان، گ. آ.	۳۰۰۰۰	۱۹۸۶	کاربر روسی زبان	ترجمه‌ای
فرهنگ روسی به فارسی (نسخه اول)	واسکانیان، گ. آ.، شجاعی، م.	۳۲۰۰۰	۲۰۱۲	کاربران روسی زبان و فارسی زبان	ترجمه‌ای

## ۲. بحث و بررسی

به نظر شربا، زبان‌شناس مشهور روس، از نخستین مسائل فرهنگ‌نگاری تئوری طبقه‌بندی فرهنگ‌هاست. در طبقه‌بندی علمی خود (Щерба 2004: 265 - 303)، شش تقابل از انواع فرهنگ‌ها را برمبناهای مختلف ارائه کرده است: ۱) فرهنگ‌های آکادمیک - فرهنگ‌های لغت مرجع: این دسته‌بندی برمبنای هدف تالیف فرهنگ می‌باشد. به عقیده شربا، فرهنگ‌های آکادمیک نقش معیارسازی دارند، اما فرهنگ‌های مرجع تنها در تثبیت گفتار نقش دارند؛ ۲) دایرة‌المعارف - فرهنگ عمومی: دایرة‌المعارف‌ها به منظور ارائه اطلاعاتی در مورد واقعیت‌ها تدوین می‌شوند و فرهنگ‌های عمومی واژگان یک زبان را در بر می‌گیرند؛ ۳) گنج‌واژه - فرهنگ معمولی (تفسیری یا ترجمه‌ای). گنج‌واژه معمولاً حاوی واژگان تخصصی است، اما فرهنگ معمولی واژگان عمومی زبان را در بر دارد و در صورتی که این واژگان مربوط به یک زبان باشند، فرهنگ تفسیری و در صورتی که واژگان دو یا چند زبان باشند، فرهنگ ترجمه‌ای شکل می‌گیرد؛ ۴) فرهنگ معمولی - فرهنگ مفهوم‌پایه. مبنای این دسته‌بندی شکل آوایی و معنای واژه است. فرهنگ معمولی براساس شکل آوایی واژه و فرهنگ مفهوم‌پایه برمبنای معنای واژه و یا به عبارتی مفهومی که پشت شکل آوایی کلمه پنهان است، شکل می‌گیرد؛ ۵) فرهنگ تفسیری - فرهنگ ترجمه‌ای: فرهنگ‌های تفسیری برای زبان معیار یک ملت نوشته شده‌اند و در درجه اول برای گویشوران همان زبان مناسب‌اند، در حالی که فرهنگ ترجمه‌ای به علت نیاز به درک کلمات و متون در زبانی دیگر تدوین می‌شود؛ ۶) فرهنگ تاریخی - فرهنگ غیرتاریخی: به نظر شربا، فرهنگ تاریخی نه تنها به بررسی تاریخ تمام واژگان در یک دوره زمانی مشخص می‌پردازد، بلکه پیدایش واژگان جدید، معانی جدید، از بین رفتن واژگان و تغییرات آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

دسته‌بندی شربا، در فرهنگ‌نگاری نوین روسی نیز اهمیت خود را حفظ کرده است، اگرچه پس از او نیز بسیاری از فرهنگ‌نگاران روس و غیرروس هم‌چون لادیسلاو زگوستا، ولادیمیر ولادیمیروویچ دویچینسکی، لودمیلا آکسیونو ویدنسکایا به این مسئله پرداخته و برمبناهای مختلف دسته‌بندی‌های متفاوتی برای فرهنگ‌ها ارائه دادند.

براساس پژوهش‌های انجام‌شده زبان‌شناسان در این زمینه، در عام‌ترین دسته‌بندی، فرهنگ‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: دایرة‌المعارف‌ها و فرهنگ‌های زبان‌شناسی (Zgusta 1971: 199; Апажев 2005: 16; Введенская 2007: 12). تفاوت این دو گروه در

موضوع مورد بررسی در آن هاست. موضوع فرهنگ‌های زبان‌شناسی، واحدهای زبانی مثل واژه، واج، واژه‌های ترکیبی و اصطلاحات است، اما در دایرةالمعارف‌ها مفاهیم علمی، اصطلاحات تخصصی، وقایع تاریخی، جغرافیایی، شرح حال نام‌داران و اطلاعات دیگر ارائه می‌شود. دایرةالمعارف‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ فرهنگ‌های عمومی، فرهنگ‌های تخصصی و فرهنگ‌های منطقه‌ای (Введенская 2007: 12). فرهنگ‌های زبان‌شناسی را نیز دانشمندان متعدد بر مبنای مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. در این میان کریسین این فرهنگ‌ها را، براساس تعداد زبان‌های به کاررفته، به فرهنگ‌های یک‌زبانه و دو یا چندزبانه تقسیم می‌کند (Крысин 2007: 179 - 183).

هریک از فرهنگ‌های ذکر شده ساختار خاصی دارند که براساس عوامل گوناگون شکل می‌گیرند. والرئ پاولویچ بیرکوف، از زبان‌شناسان پراوازه حوزه فرهنگ‌نگاری، برای فرهنگ‌نگاری دوزبانه، سه سطح ساختاری در نظر می‌گیرد: ابرساختار (megastructure)، کلان ساختار (macrostructure)، و خردساختار (microstructure). ابرساختار فرهنگ عبارت است از ساختار قالبی فرهنگ یا نحوه قرارگیری بخش‌های مختلف آن شامل واحدهای پیشین (مقدمه، روش استفاده از فرهنگ، و ...)، پیکره و واحدهای پسین. ساختار کلی سرمدخل‌ها در فرهنگ کلان ساختار و ساختار اطلاعات داخل مدخل‌ها نیز خردساختار نامیده می‌شود (Берков 2004: 15 - 16).

اما دویچینسکی و عده‌ای از زبان‌شناسان، به جداسازی کلان ساختار از ابرساختار باور ندارند و ساختار فرهنگ‌ها را در دو گروه کلان ساختار و خردساختار بررسی می‌کنند. در این مقاله، به تبع از نظریات دویچینسکی، ساختار فرهنگ‌های دوزبانه در دو قالب کلان ساختار و خردساختار بررسی خواهد شد.

از نخستین پایه‌های تدوین فرهنگ، آشنایی با الزامات کلی تدوین فرهنگ و هم‌چنین تعیین ویژگی‌های فرهنگ در دو سطح خردساختار و کلان ساختار است که در ادامه، بررسی خواهند شد.

## ۱.۲ الزامات کلی تدوین فرهنگ

تدوین یک فرهنگ استاندارد مستلزم رعایت اصول کلی زیر است:

۱. اصل نسبیّت با توجه به کاربر: در هر فرهنگ، با توجه به کاربران، حداقل سطح اطلاعاتی برای کاربران در نظر گرفته می‌شود؛

۲. اصل استاندارد بودن: رعایت کامل اصول تعریف‌شده برای فرهنگ در تمام بخش‌های آن؛
۳. اصل اقتصادی بودن: توجه به کاهش حجم فرهنگ و ترجیح توضیحات کوتاه به طولانی‌تر؛
۴. اصل سادگی: استفاده از ساختارهای نحوی و کلمات ساده برای توضیحات؛
۵. اصل جامع و مانع بودن: مطابقت مدخل‌ها با اهداف فرهنگ؛
۶. اصل کارایی: با توجه به تعلق فرهنگ به انواع فعال و منفعل، الزامات هر یک از آن‌ها باید در مدخل رعایت شود؛
۷. اصل طبقه‌بندی معنایی: توضیح مدخل‌ها با کلماتی که از نظر سادگی یک یا دو درجه ساده‌تر باشند (Девель 2011: 85).

## ۲.۲ کلان‌ساختار فرهنگ‌های دوزبانه

مهم‌ترین بخش هر فرهنگ مجموعه مدخل‌هاست. نحوه سازمان‌دهی و ترتیب قرارگیری مجموعه مدخل‌ها کلان‌ساختار فرهنگ را تشکیل می‌دهند. معمولاً، فرهنگ‌های دوزبانه از یکی از نظام‌های چینش مدخل الفبایی و لانه‌ای یا ترکیبی از آن‌ها استفاده می‌کنند. مدخل‌ها در دو قسمت تنظیم می‌شوند؛ در سمت چپ، سرمدخل قرار می‌گیرد و در سمت راست، معادل‌ها و تعاریف. چنین چیدمانی نه تنها باعث سهولت کار با فرهنگ می‌شود، بلکه در رعایت اصل اقتصادی بودن فرهنگ نیز مؤثر است (Берков 2004: 15).

علاوه بر مجموعه مدخل‌ها، بخش‌های دیگری هم‌چون مقدمه، راهنمای استفاده از فرهنگ، فهرست اختصارات به کاررفته در فرهنگ، توضیحات دستوری و ضمایم گوناگون نیز در فرهنگ‌ها درج می‌شود که محل قرارگیری هر یک از آن‌ها در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. به نظر بیرکوف، بهتر است که بخش‌های مقدمه، راهنمای استفاده از فرهنگ، فهرست اختصارات قبل از مجموعه مدخل‌ها و سایر بخش‌ها در انتهای فرهنگ قرار گیرند. بخش‌هایی که قبل از مجموعه مدخل‌ها قرار دارند، واحدهای پیشین و سایر بخش‌ها واحدهای پسین نامیده می‌شوند (ibid.: 192).

بیرکوف برای هر یک از بخش‌های یادشده الزاماتی را تعریف کرده است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد (ibid.: 192 - 208).

تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان‌ساختار ... ۵۱

۱. مقدمه: این بخش اطلاعاتی در مورد هدف از تدوین فرهنگ، مخاطبان، بخش‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ، تعداد واژگان، گردآوردندگان، ویراستارها و سایر اطلاعات را در بر دارد. ممکن است که در مقدمه، تاریخچه کوتاهی از فرهنگ‌نگاری و گسترش زبان و یا تعداد گویشوران زبان مبدأ نیز داده شود؛
۲. راهنمای استفاده از فرهنگ: در این بخش از فرهنگ اطلاعاتی که کاربر برای استفاده از فرهنگ به آن‌ها نیاز دارد، ارائه می‌شوند؛ اطلاعاتی هم‌چون ترتیب قرارگیری واژگان، نحوه ارائه مثال‌ها، مفهوم علائم به‌کاررفته در فرهنگ؛
۳. فهرست اختصارات به‌کاررفته در فرهنگ: برای رعایت کردن اصل اقتصادی بودن، بسیاری از توضیحات در مدخل‌ها به صورت اختصار داده می‌شود. شرح این اختصارات که باید کوتاه و قابل فهم باشند، در این فهرست آورده می‌شود؛
۴. توضیحات دستوری: توضیحات دستوری و آوایی زبان مقصد، ویژگی‌های دستوری زبان مبدأ، و ابزار بیان آن‌ها در زبان مقصد نمونه‌ای از اطلاعات ارائه‌شده در این بخش‌اند؛
۵. ضمیمه‌ها: اطلاعات تکمیلی هم‌چون فهرست نام‌های جغرافیایی، جدول «آوانگاری حروف» که گنجانیدن آن‌ها در مدخل‌ها ممکن و یا نیاز نباشد، در بخش ضمیمه‌ها آورده می‌شوند. اگرچه اطلاعات تکمیلی بر ارزش مندتر شدن فرهنگ اثرگذار است، بهتر است تعداد ضمایم بیش از اندازه نباشد.

## ۳.۲ خردساختار فرهنگ‌های دوزبانه

ساختار اطلاعات مدخل را خردساختار می‌نامند. بیرکوف خردساختار فرهنگ‌های دوزبانه را به زیرمجموعه‌های زیر دسته‌بندی می‌کند: سرمدخل، اطلاعات تلفظی، اطلاعات دستوری، تفکیک معنایی، تدقیق معنایی، معادل واژه در زبان مقصد، ارجاع به مدخل‌های دیگر، و توضیحات تکمیلی. به‌طور خلاصه، هریک از واحدهای تشکیل‌دهنده خردساختار فرهنگ بررسی می‌شود.

۱. سرمدخل: واژه یا ترکیبی از زبان مبدأ که معادل آن در زبان مقصد داده می‌شود؛
۲. اطلاعات تلفظی: برای کمک به تلفظ صحیح واژگان توسط کاربران لازم است تا اطلاعات کافی به آن‌ها داده شود. بهترین و متداول‌ترین شیوه ارائه اطلاعات تلفظی در

فرهنگ استفاده از نشانه‌های آوانویسی است. در فرهنگ‌های دوزبانه، با توجه به نوع فرهنگ و مخاطبان، آوا نویسی به سه روش انجام می‌شود؛ استفاده از الفبای زبان مادری کاربر؛ استفاده از الفبای زبان خارجی؛ استفاده از الفبای ویژه آوانویسی. در این میان، معمولاً روش سوم بیش‌تر به کار می‌رود؛

۳. اطلاعات دستوری: در ابتدای هر مدخل، اطلاعات دستوری در مورد سرمدخل به صورت اختصار داده می‌شود. از جمله این اطلاعات نوع کلمه، جنس، نمود فعل است؛

۴. تفکیک معنایی: چون ساختار معنایی واژگان زبان‌های گوناگون معمولاً برهم منطبق نیستند، در فرهنگ‌ها ممکن است که برای یک مدخل چندین معادل در زبان مقصد ارائه شود. یک فرهنگ استاندارد باید دربرگیرنده همه این معانی یا مهم‌ترین آن‌ها باشد. ترتیب قرارگیری این معادل‌ها بر سه مبناست: تاریخی، بسامدی، منطقی. ترتیب تاریخی فقط در فرهنگ‌های تاریخی به کار می‌رود. در فرهنگ‌های دوزبانه، ترتیب بسامدی ترجیح داده می‌شود. به این ترتیب، نخست معانی متداول زبان معیار که هیچ سبک خاصی نداشته باشند، ارائه می‌شود و سپس معانی مربوط به سبک کتابی، رسمی، ادبی، محاوره‌ای، عامیانه و غیره؛

۵. تدقیق معنایی: برای تکمیل ترجمه و معادل‌یابی، گاهی توضیحی در مورد معانی واژه در زبان مبدأ بیان می‌شود؛

۶. معادل واژه در زبان مقصد: واژه یا گروه واژه از زبان مقصد که به صورت ترجمه داده می‌شود، معادل نام دارد. البته معادل‌پذیری واژگان از زبان مبدأ به مقصد درجه‌های مختلفی دارد که از داشتن معادل کامل گرفته تا معادل‌ناپذیری را در بر می‌گیرد. در شرایطی که برای واژه‌ای معادلی در زبان مقصد نباشد، از سه روش برای یافتن معادل بهره برده می‌شود: معادل‌یابی به کمک کلمات موجود در زبان (در صورت نیاز هم‌راه با توضیح و تفسیر)؛ معادل‌یابی به کمک معادل پیش‌نهادی نویسنده فرهنگ؛ ارائه توضیح و توصیف؛

۷. نظام ارجاعی: این بخش به کاربر کمک می‌کند تا اطلاعات بیش‌تری در مورد واژه در سایر مدخل‌ها پیدا کند. برای ارجاع‌دهی در نظام فرهنگ‌نویسی زبان روسی، علائم خاصی مشخص شده است که به کار گرفته می‌شوند. از مهم‌ترین علائم ارجاع در زبان روسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان‌ساختار ... ۵۳

- Δ: به مدخل‌هایی اشاره می‌کند که شامل ترکیباتی با واژه مدنظر باشند. مثلاً، عبارت زیر به وجود ترکیب *мелко плавать* در مدخل «*мелко*» اشاره می‌کند:

*плавать... Δ ... мелко*

- => اشاره به مدخل‌هایی دارد که کاربرد مشابه داشته باشد؛ مثلاً:

*по-шведски... => по-норвежски*

- *см. также* (هم‌چنین ببینید): به مدخل‌هایی اشاره می‌کند که در آن‌ها می‌توان اطلاعاتی برای درک کامل‌تر واژه پیدا کرد:

*отчество ... см. также имя, фамилия*

- *(см.)* (ببینید): ارجاع یک واژه به واژه دیگر که از نظر معنایی کاملاً مترادف یا نزدیک به هم باشند:

*фото ... см. фотография 2*

- ↑: اشاره به وجود اطلاعات در بالای همان مدخل دارد.

۸. برچسب: منظور اطلاعاتی است که به صورت اختصار در مدخل‌ها ارائه می‌شود و اشاره به ویژگی مشخصی از واژه در زبان مبدأ یا معادل آن دارد. پیش‌ازاین، به تعدادی از این توضیحات اشاره کردیم؛ از جمله توضیحات دستوری و ارجاعی. از انواع دیگر این توضیحات می‌توان به توضیحات سبک‌شناسی، ارزیابی، بسامدی، جغرافیایی، رشته‌ای یا تخصصی، میزان مطابقت معادل، و میزان جامع‌بودن معنا اشاره کرد.

## ۴.۲ معیارهای استاندارد فرهنگ‌های دوزبانه با زبان روسی به منزله زبان مبدأ

در این پژوهش، براساس الزامات و استانداردهای تدوین فرهنگ‌های دوزبانه که از کتاب‌های فرهنگ‌نگاری روسی برگرفته شده‌اند، فهرستی مرجع برای بررسی میزان رعایت اصول کلی و الزامات تدوین فرهنگ‌های دوزبانه ارائه شده است. این فهرست افزون‌بر قابلیت استفاده به منزله سنج‌های برای بررسی میزان استانداردبودن فرهنگ‌های در دست، می‌تواند به مثابه شاخصی برای تدوین فرهنگ‌های جدید و توجه به رعایت معیارها در تدوین آن‌ها به کار گرفته شود. بودن یا نبودن هر مورد در فرهنگ با علامت «+» یا «-» در این فهرست مشخص می‌شود. نتایج استفاده از این فهرستِ بازبینی در تحلیل فرهنگ‌های روسی به فارسی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. فهرست بررسی استاندارد بودن فرهنگ‌های روسی به فارسی

الزامات تدوین فرهنگ‌های دوزبانه					
وجود (+)، عدم وجود (-)				الف) کلان‌ساختار فرهنگ‌های دوزبانه	
فرهنگ کلیف‌سوا	فرهنگ واسکانیان		فرهنگ اوپچینیکووا و دیگران		
	نسخه جدید	نسخه اول			
+	+	+	+	داشتن مقدمه	۱
+	+	+	+	داشتن بخش «راهنمای استفاده از فرهنگ»	۲
+	+	+	+	داشتن فهرست علائم اختصاری	۳
+	-	-	-	توضیحات آواشناسی	داشتن بخش توضیحات دستوری
+	-	-	+	توضیحات صرفی	
+	-	+	-	جدول «آوانگاری حروف»	داشتن ضمیمه‌های لازم
-	+	+	+	فهرست نام‌های جغرافیایی	
+	+	+	+	داشتن فهرست منابع	۶
+	+	+	+	جامعیت و مانعیت انتخاب واژگان	۷
+	-	+	+	مطابقت ترتیب قرارگیری واژگان با هدف و مخاطب فرهنگ	۸
+	+	+	+	سهولت یافتن سرمدخل‌ها	۹
+	+	-	+	سهولت یافتن معادل‌ها	۱۰
+	+	+	+	دقت قرارگیری سرمدخل‌ها	۱۱
ج) خردساختار فرهنگ‌های دوزبانه					
+	-	-	-	آوانویسی	داشتن اطلاعات آوایی برای سرمدخل‌ها
+	+	+	+	ضربه	
-	-	+	+	آوانویسی معادل‌ها	داشتن اطلاعات آوایی برای معادل‌ها و مثال‌ها
-	-	-	-	آوانویسی مثال‌ها	
-	-	-	-	ضربه روی معادل‌ها	
-	+	+	+	ضربه روی مثال‌ها	
+	-	-	+	اطلاعات نحوی	داشتن اطلاعات دستوری برای سرمدخل‌ها
+	+	+	+	اطلاعات صرفی	
+	-	+	+	اطلاعات واژه‌سازی	
+	+	+	+	اطلاعات نحوی	داشتن اطلاعات دستوری برای معادل‌ها و مثال‌ها
-	-	-	-	اطلاعات صرفی	
-	-	-	-	اطلاعات واژه‌سازی	
-	+	+	+	تدقیق معنایی سرمدخل‌ها (در صورت نیاز)	

تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان ساختار ... ۵۵

الزامات تدوین فرهنگ‌های دوزبانه					
وجود (+)، عدم وجود (-)			الف) کلان ساختار فرهنگ‌های دوزبانه		
فرهنگ کلیسوا	فرهنگ واسکانیان	فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران			
+	+	+	+	داشتن توضیحات سبک‌شناسی برای سرمدخل‌ها	۱۷
+	+	+	+	داشتن توضیحات ارجاعی	۱۸
+	-	-	-	مطابقت متن اصلی با بخش «راهنمای استفاده از فرهنگ»	۱۹
+	+	+	+	داشتن مثال	۲۰
+	+	+	+	دقت املائی سرمدخل‌ها	۲۱
-	-	-	-	دقت املائی معادل‌ها	۲۲
-	-	-	-	دقت معادل‌ها	۲۳

در ادامه، براساس تحلیل انجام گرفته، که به شکل کلی در جدول ۲ ارائه شده است، به بررسی ویژگی‌های هر یک از این فرهنگ‌ها و توضیح میزان رعایت استانداردهای فرهنگ‌نگاری در آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱.۴.۲ فرهنگ روسی به فارسی

این فرهنگ نوشته‌ای. ک. اوفچینیکووا، گ. آ. فروغیان، ش. م. بدیع و به تصحیح علی اسدالله و یف و. ل. س. پیسکوف چاپ شده به سال ۱۹۶۵ م است. همان‌طور که در مقدمه این فرهنگ ذکر شده است، کاربرد اصلی آن در ترجمه روسی به فارسی متون ادبی - فرهنگی، سیاسی - اجتماعی، علمی و همچنین نگارش فارسی متون پلی تکنیک، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی، مطبوعات و رادیوست. ترتیب قرارگیری سرمدخل‌ها الفبایی است و در فرهنگ از آوانویسی روسی استفاده شده است. این فرهنگ از بخش‌های مقدمه، راهنمای استفاده از فرهنگ، فهرست علائم اختصاری، جدول الفبای روسی، پیکره و ضمیمه‌ها (فهرست نام‌های جغرافیایی، توضیحات دستوری و زبانی) تشکیل شده است.

از مزایای فرهنگ روسی به فارسی «اوفچینیکووا و دیگران» می‌توان به تعداد قابل توجه واژگان (۳۶۰۰۰)، داشتن اطلاعات دستوری برای سرمدخل‌ها و مهم‌تر داشتن توضیحات دستوری در انتهای فرهنگ (بررسی مقایسه‌ای دستور و ابزارهای بیان در روسی و فارسی) اشاره کرد، اما از آنجایی که از انتشار فرهنگ مدت زیادی می‌گذرد، بسیاری از واژگان دارای کاربرد در زمان معاصر در آن نیست و در عوض تعداد زیادی از واژگان قدیمی و کم‌کاربرد به چشم می‌خورد.

در ادامه، مواردی که می‌توان از کاستی‌های این فرهنگ برشمرد، اشاره می‌شود. **نداشتن جدول آوانگاری حروف در بخش ضمیمه‌ها:** در این فرهنگ برای سهولت استفاده کاربران روس زبان، معادل‌های فارسی کلمات آوانگاری شده‌اند، اما نداشتن جدول مرجع برای هر علامت آوایی به‌کاررفته می‌تواند برای کاربران مشکل‌ساز باشد؛ **مشکلات آوانویسی معادل‌ها:** بسیاری از واژگان در زبان فارسی به‌صورت‌های مختلفی تلفظ می‌شوند. با وجود تلاش گردآورندگان فرهنگ، در بعضی موارد تلفظ‌های اشتباه یا کم‌کاربرد برای برخی از واژگان ارائه شده است که برخی از آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. برخی از آوانویسی‌های اشتباه یا کم‌کاربرد به‌همراه آوانویسی صحیح واژگان

آوانویسی صحیح	آوانویسی واژه در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران	واژه روسی و معادل آن در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران
چشеш	Чашеш	چشش
هَدَجَمَات	Һәдҗамәт	حجامت
آپارتمان	Апартамент	آپارتمان

**مطابقت پیکره با بخش «راهنمای استفاده از فرهنگ»:** در بخش «راهنمای استفاده از فرهنگ» ذکر شده که حالت‌های صرفی ضمائر ملکی و اشاره و پرسشی هم به‌شکل مثال در مدخل ضمیر اصلی ارائه می‌شود و هم مدخلی مستقل، براساس حروف الفبا، به‌همراه ارجاع به ضمیر اصلی در پیکره فرهنگ درج می‌شود، اما برای بعضی از ضمائر ملکی، مثل мой (مال من)، حالت‌های صرفی نه در مدخل ضمیر اصلی و نه در مدخل جداگانه ذکر نشده‌اند.

**دقت املائی معادل‌ها:** موارد بسیاری از اشتباهات املائی به‌ویژه در سرهم‌نویسی واژگان به‌چشم می‌خورد که از جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد که در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نمونه‌هایی از نگارش صحیح معادل‌های واژگان فارسی

معادل صحیح	معادل واژه در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران	واژه روسی در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران
شتر یک کوهان	штр ыккоһан	дромадер
دل‌آور	دل آور	храбрец
پشمالو	پشم آلو	волосатый
نکته‌به‌نکته	نکته بنکته	досканально

تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان ساختار ... ۵۷

معادل صحیح	معادل واژه در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران	واژه روسی در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران
شست و شو کردن	شستوشو کردن	помыться
کارگر اداره کننده جرثقیل	کارگر اداره کننده جرثقیل	крановщик
تلفظ شفاهی	تلفظ شفاهی	лабиализация
ذله کردن	زله کردن	донять
مغناطیسی کردن	مقناطیسی کردن	магнитить
تاول	طاوول	пузырь

**دقت معادل‌ها:** تعدادی از معادل‌های ارائه شده در فرهنگ نامفهوم یا کم کاربرد و یا منسوخ شده‌اند. نمونه‌هایی از این معادل‌ها در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. معادل‌های نامفهوم یا کم کاربرد یا منسوخ واژگان روسی به همراه معادل‌های صحیح واژگان فارسی

معادل صحیح	معادل واژه در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران	واژه روسی در فرهنگ اوفچینیکووا و دیگران
ورور کردن	سخنان بیچگانه	лепет...детский ~
چای‌خانه	قهوه‌خانه	чайхана
استخوان خاجی	عظم عجز	крестец
استخوان دنبالچه	عصص	копчик
فرو کردن	خلانیدن	вколоть
از قبیل پول دادن	[پول] پیشکی دادن	авансировать
کمبود ویتامین	[مرض] بی ویتامینی	авитаминоз
تهور	دلیری بی شعورانه	отчаянность
بی اصول	بی اصول، بی پرنسیپ، ابن الوقت	беспринципный
اشتهای زیاد	اشتهای خرکی (زیاد)	волчий аппетит
میوه‌های جنگلی سمی	انگور سگی	волчья ягода
نایب کنسول	ویس قنسول	вице-консул

## ۲.۴.۲ فرهنگ روسی - فارسی

نوشته گ. آ. واسکانیان که نسخه اول آن در ۱۹۸۶ م چاپ شد و نسخه جدید آن به تصحیح م. شجاعی در ۲۰۱۲ م به چاپ رسید. نسخه اول این فرهنگ شامل ۳۰۰۰۰ واژه روسی معیار و ترجمه آن‌ها به فارسی است. آن‌طور که در مقدمه ذکر شده، این فرهنگ برای

استفاده دانشجویان، استادان، مترجمان، و سایر کاربران روسی‌زبان و فارسی‌زبان تدوین شده است. در این فرهنگ، به واژگان اجتماعی - سیاسی و نیز واژگان پرکاربرد علمی - تخصصی توجه ویژه شده است. نظام قرارگیری واژگان الفبایی - لانه‌ای است. معادل‌ها با استفاده از الفبای لاتین آوانویسی شده‌اند. این فرهنگ از بخش‌های مقدمه، فهرست منابع، جدول الفبای روسی، پیکره، ضمیمه‌ها (فهرست نام‌های جغرافیایی، فهرست اختصارات پرکاربرد، فهرست افعال بی‌قاعده و ریشه آن‌ها، توضیح اصول آوانویسی) و فهرست مندرجات تشکیل شده است.

نسخه جدید این فرهنگ شامل ۳۲۰۰۰ واژه است. در نسخه جدید، که با تصحیح دکتر محسن شجاعی همراه شده است، واژگان جدیدی که در سال‌های اخیر وارد زبان روسی و فارسی شده و همچنین واژه‌های پیش‌نهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منظور شده‌اند. نسخه جدید نیز برای استفاده دانشجویان و استادان و مترجمان تدوین شده و به منظور سهولت کاربران روسی و ایرانی، در کلان‌ساختار و خردساختار فرهنگ تغییراتی داده شده است؛ از جمله این‌که اعراب‌گذاری جای‌گزین آوانویسی معادل‌ها شده و آرایش الفبایی - لانه‌ای به آرایش الفبایی تغییر یافته است. نسخه جدید از بخش‌های زیر تشکیل شده است: فهرست مندرجات، مقدمه، راهنمای استفاده از فرهنگ، جدول «آوانگاری حروف»، فهرست اختصارات، الفبای روسی، پیکره، ضمیمه‌ها (فهرست نام‌های جغرافیایی، فهرست اختصارات پرکاربرد، فهرست افعال بی‌قاعده و ریشه آن‌ها، منابع). می‌توان گفت که استفاده از نظام الفبایی - لانه‌ای در نسخه اول به رعایت اصل اقتصادی بودن کمک می‌کرد، اگرچه استفاده از نظام الفبایی در نسخه جدید باعث سهولت جست‌وجو در فرهنگ شده است. از مزایای نسخه اول این فرهنگ می‌توان به آوانویسی معادل‌ها، توضیح اصول آوانویسی، اطلاعات صرفی و واژه‌سازی سرمدخل‌ها اشاره کرد. مهم‌ترین مزیت‌های نسخه جدید، آرایش الفبایی، و نیز دربرگرفتن واژگان جدید روسی و فارسی است، گرچه تعدادی از واژگان جدید از قلم افتاده است. براساس بررسی‌های انجام‌شده طبق فهرست بازیابی، کاستی‌ها و نقاط قوتی در این دو فرهنگ مشاهده می‌شود که در ادامه، به آن‌ها اشاره خواهد شد.

**نداشتن جدول «آوانگاری حروف» در بخش ضمیمه‌ها:** همان‌طور که در مورد فرهنگ «اوپچینیکوا» بیان شد، نبود این اطلاعات از نقایص فرهنگ به‌شمار می‌رود. در نسخه اول فرهنگ «واسکانیان»، توضیحات آوانویسی ارائه شده است، اما نسخه جدید فاقد این اطلاعات است.

**مطابقت نداشتن ترتیب قرارگیری واژگان با هدف و مخاطب فرهنگ:** به علت استفاده از آرایش الفبایی - لانه‌ای در نسخه اول فرهنگ «واسکانیان»، واژگان با ریشه مشترک در یک مدخل ذکر شده‌اند و به همین دلیل، بسیاری از واژگان مدخل مستقل ندارند. با توجه به این که در آرایش لانه‌ای نیاز است تا کاربران اطلاعات اولیه زبان‌شناختی و واژه‌ساختی از زبان مبدأ داشته باشند، در نسخه جدید سعی شده تا با استفاده از آرایش الفبایی، فرهنگ برای افراد فاقد اطلاعات زبان‌شناختی کاربردی تر شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که در نسخه جدید مترجمان و کاربران عمومی تر در اولویت کاربردی در مقایسه با دانشجویان و استادان قرار گرفته‌اند. البته، این مورد نقص فرهنگ به‌شمار نمی‌رود، اما بهتر است که در مقدمه فرهنگ این نکته اصلاح شود.

**سهولت یافتن معادل:** آرایش الفبایی در نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان»، موجب سهولت کار با فرهنگ و یافتن معادل‌ها شده است. در ادامه، برای نمونه، واژه *писатель* و مدخل آن در هر دو نسخه آورده شده است که به خوبی سهولت جست‌وجوی مدخل را در نسخه جدید نشان می‌دهد:

نسخه قدیم	نسخه جدید
<b>писатель м.</b>	نویسنده
Союз писателей	اتحادیه (انجمن) نویسندگان
<b>писать, написать</b>	۱. نوشتن
писать в министерство	به وزارتخانه نوشتن
писать в тетради <на доске>	<در (توی) دفتر > روی تخته نوشتن
писать книгу <рассказ>	کتاب <داستان > نوشتن
писать о ком-л.	از کسی (در باره کسی) نوشتن
писать письмо брату	برای برادر [- خود] نامه نوشتن
писать по-русски	به زبان روسی نوشتن
писать разборчиво	خوانا نوشتن
писать раздельно <слитно>	جدا <سر هم > نوشتن
писать скорописью	به خط شکسته نوشتن
писать портрет	۲. پرتره کشیدن
Он пишет портрет друга.	یک پرتره از دوستش می‌کشد.
писать песню <оперу>	۳. آهنگ <اپرا > ساختن
<b>писаться</b> <i>несов. страд.</i>	نوشته شدن
	اتحادیه <i>писателей</i> <i>nevisānde</i> ; Союз <i>~телей</i> <i>neveštan</i> ; <i>~ть, написать</i> 1 نوشتن <i>по-русски</i> نوشتن روسی <i>~ть в тетради (на доске)</i> در (توی) دفتر (روی تخته) نوشتن به خط شکسته <i>~ть скорописью</i> خوانا نوشتن <i>~ть письмо брату</i> از کسی (در باره <i>о ком-л.</i> ) نوشتن به وزارتخانه نوشتن <i>~ть в министерство</i> (کسی) نوشتن 2 <i>создавать</i> کتاب (داستان) نوشتن <i>~ть книгу (рассказ)</i> <i>произведение живописи</i> کشیدن <i>~ть портрет</i> یک پرتره از <i>он пишет портрет друга</i> 3 <i>создавать музыкальное произведение</i> آهنگ (اپرا) ساختن <i>~ть песню (оперу)</i> <i>~ться</i> <i>несов. страд.</i> نوشته شدن <i>nevešte š</i>

**نداشتن اطلاعات آوایی برای سرمدخل‌ها و معادل‌ها:** اطلاعات آوایی سرمدخل‌ها به‌ویژه برای کاربران فارسی‌زبان مفید است که در هیچ‌یک از دو نسخه این فرهنگ ارائه نشده است.

در نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان»، اعراب‌گذاری جای‌گزین آوانویسی معادل‌ها شده است، اما این اعراب‌گذاری نه تنها به‌طور کامل انجام نشده، بلکه در بسیاری موارد حرکت‌های زیر و زیر درهم شده است و نمی‌توان تشخیص داد که مربوط به کدام سطر است. برای نمونه، به مثال زیر توجه کنید (گلکار ۱۳۹۳: ۱۷۴):

<b>изумляться, изумиться</b>	به چیرت آمدن
<b>изумруд.м.</b>	زُمرُد
<b>изумрудный</b>	زُمرُدین، ... زُمرُد

**اطلاعات دستوری نداشتن برای سرمدخل‌ها:** اطلاعات دستوری و واژه‌سازی در نسخه جدید این فرهنگ نیامده است، اما با توجه به این که کاربران در درجه اول روسی‌زبانان هستند، نبود آن نقص فرهنگ به‌شمار نمی‌رود.

**مطابقت متن اصلی با بخش راهنمای استفاده از فرهنگ:** همان‌گونه که در مورد فرهنگ «اوفچینیکوا و دیگران» گفته شد، برای بعضی از ضمائر ملکی مثل мой, ваш, наш، حالت‌های صرفی مدخل‌ها، به‌رغم آن‌چه در مقدمه فرهنگ ذکر شده است، نه در مدخل ضمیر اصلی و نه در مدخل جداگانه ذکر نشده‌اند.

**دقت املائی معادل‌ها:** در هر دو نسخه فرهنگ «واسکانیان» اشتباهات املائی در معادل‌ها دیده می‌شود. بعضی از آن‌ها در نسخه جدید اصلاح شده و بعضی دوباره تکرار شده است، ضمن این که گاهی در نسخه جدید اشتباهاتی اضافه شده است.

از جمله اشتباهات تکرار شده در هر دو نسخه می‌توان به مواردی که در جدول ۶ آمده است، اشاره کرد.

جدول ۶. نمونه‌هایی از اشتباهات املائی تکرار شده در دو نسخه فرهنگ واسکانیان

معادل صحیح	معادل واژه در هر دو نسخه فرهنگ واسکانیان	واژه روسی در فرهنگ واسکانیان
ذله کردن	زله کردن	Донекать
ازدحام	ازدهام	Гурьб
چاق و چله	گوشت‌آلو	Пухлый
تکاور	تک آور	Десантник



تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان ساختار ... ۶۱

تعدادی از اشتباهات در نسخه جدید اصلاح شده‌اند که برخی از آن‌ها در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. نمونه‌هایی از اشتباهات اصلاح شده در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان

معادل صحیح در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان	معادل واژه در نسخه اول فرهنگ و اسکانیان	واژه روسی در فرهنگ و اسکانیان
دوقلو	دوقولو	Двойня
به‌نحو شایسته	بنحو شایسته	Достойно
زمین باتلاقی	زمین باطلاقی	Местность
مینی‌بوس	مینیبوس	Микроавтобус
بسکتبال	باسکتبال	Баскетбол
بیف استروگانوف	بیف استرگان	Бефстроганов
دوی ماراتن	دو ماراتن	марафонский бег

اشتباهاتی نیز در نسخه جدید وارد شده است. از جمله این اشتباهات را می‌توان در جدول ۸ مشاهده کرد.

جدول ۸. نمونه‌هایی از اشتباهات جدید در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان

معادل صحیح	معادل واژه در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان	واژه روسی در فرهنگ و اسکانیان
تبلیغات دامنه‌دار	تبلیغات دامنه دار	Массированный
گلاسکو	رگلاسکو	глазо (в списке географических названий)
جزایر مالزی	جزایر مالزی	малайский архипелаг (в списке географических названий)

**دقت معادل‌ها:** در فرهنگ «اسکانیان» تعدادی از معادل‌های ارائه شده نامفهوم یا کم‌کاربردند. از این تعداد، بعضی در نسخه جدید اصلاح شده و بعضی تکرار شده‌اند. نمونه‌هایی از اشتباهات اصلاح شده را می‌توان در جدول ۹ مشاهده کرد.

جدول ۹. نمونه‌هایی از اصلاح معادل‌های اشتباه در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان

معادل صحیح در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان	معادل واژه در نسخه اول فرهنگ و اسکانیان	واژه روسی در فرهنگ و اسکانیان
مهره‌دار	ذوفقار	Позвоночный
بی عقیده‌بودن	بی عقیدتی، عدم اصولیت، بی پرنسیپی	Беспринципность
نگران هم‌دیگر بودن	از هم‌دیگر نگران بودن	другИ...беспокоиться ~ о друге
ضدسرما، مقاوم در برابر سرما	سرما نترس	Морозостойкий

۶۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۸

از اشتباهات تکرار شده در نسخه جدید به مواردی در جدول ۱۰ اشاره شده است (گلکار ۱۳۹۳: ۱۷۶ - ۱۸۲):

جدول ۱۰. نمونه‌هایی از اشتباهات تکرار شده در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان

معادل صحیح	معادل واژه در نسخه جدید فرهنگ و اسکانیان	واژه روسی در فرهنگ و اسکانیان
دوربین دوچشمی	دوربین	бинокль
عروسک خیمه‌شب‌بازی	عروسک	марионетка
اسب بخار	قوه اسب	лошадина... лошадиная сила
خفاش	شب پره، موش کور	мышь ...легучая мышь
آشیانه پرنده	لانه مرغ	птичий ...птичье гнездо
اوریون	ذبحه، ذبحا	свинка

### ۳.۴.۲ فرهنگ روسی به فارسی

این فرهنگ را س. د. کلیفسوا نوشته و به تصحیح گ. آ. واسکانیان است که در سال ۱۹۷۵ م به چاپ رسیده است. فرهنگ روسی به فارسی «کلیفسوا» یک فرهنگ آموزشی شامل ۱۱۰۰۰ واژه است که برای دانشجویان و زبان‌آموزان ایرانی تدوین شده است. فرهنگ آرایش الفبایی دارد و آوانویسی سرمدخل‌ها با حروف الفبای لاتین ارائه شده است. این فرهنگ از مقدمه، راهنمای استفاده از فرهنگ، متن اصلی، مقدمه به زبان فارسی، ضمیمه‌ها (فهرست تعدادی از افعال بی‌قاعده، فهرست اختصارات، توضیحات آواشناسی و صرف زبان روسی) تشکیل شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرهنگ می‌توان به بخش توضیحات دستوری، اطلاعات دستوری، آوانگاری سرمدخل‌ها اشاره کرد. کاستی‌هایی نیز در این فرهنگ دیده می‌شود که در ادامه آورده می‌شود.

**دقت املائی معادل‌ها:** در این فرهنگ نیز اشتباهات املائی در تعدادی از معادل‌ها دیده می‌شود (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. نمونه‌هایی از اشتباهات املائی در معادل‌های فارسی فرهنگ کلیفسوا

معادل صحیح	معادل واژه در فرهنگ کلیفسوا	واژه روسی در فرهنگ کلیفسوا
به‌وجد آمدن	بوجد آمدن	восторгаться
به‌زودی	بزودی	вскоре
شست‌وشو کردن	شستوشو کردن	мытья

تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان‌ساختار ... ۶۳

معادل صحیح	معادل واژه در فرهنگ کلیفسوا	واژه روسی در فرهنگ کلیفسوا
گج کار	گج کار	штукатур
قورت دادن	غورت دادن	глотать
دوران طلایی	دوران طلانی	золотой... ~ое время
میلیارد	میلیارد	миллиард
مغناطیس	مقناطیس	магнит
مغول	مغل	монгол
تاؤل	طاؤل	пузырь

**دقت معادل‌ها:** برای برخی معادل‌های فارسی فرهنگ «کلیفسوا»، می‌توان نمونه‌های بهتری پیش‌نهاد کرد که در جدول ۱۲ ذکر شده است.

جدول ۱۲. معادل‌های فارسی پسندیده‌تر پیش‌نهادی برای فرهنگ کلیفسوا

معادل پیش‌نهادی نگارنده	معادل واژه در فرهنگ کلیفسوا	واژه روسی در فرهنگ کلیفسوا
مرغ دریایی	یاغو	чайка
رادیو را روشن کردن	رادیو را باز کردن	включать/включить ... ~ радио
تعقیب کردن	تعاقب کردن	гнаться

چنین اشتباهاتی در این فرهنگ‌ها که سال‌ها از انتشار آن‌ها می‌گذرد، دور از انتظار نیست و برخی از اشکالاتی که در سرهم‌نویسی واژگان در هریک از فرهنگ‌ها دیده می‌شود، به‌علت تفاوت شیوه نگارشی در آن دوران با زمان حال است.

### ۳. نتیجه‌گیری

برطبق بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان گفت که اصول کلی تدوین فرهنگ به‌صورت کلی در فرهنگ‌های یادشده به‌خوبی رعایت شده و فقط اشکالات موردی در آن‌ها به‌چشم می‌خورد. براساس پژوهش‌های انجام‌شده، از مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف در حوزه کلان‌ساختار و خردساختار فرهنگ‌های یادشده می‌توان به این موارد اشاره کرد:

#### الف) از نظر کلان‌ساختار

- ساختار کلی (مانند داشتن مقدمه و راهنمای استفاده از فرهنگ) در همه فرهنگ‌ها مطلوب است؛
- از نظر توجه به مخاطب فارسی‌زبان، فرهنگ «کلیفسوا» و نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان - شجاعی» برای این کاربران کاربردی‌ترند؛

- از نظر تعداد واژگان، فرهنگ «اوپچینیکوا» بر دیگر فرهنگ‌ها برتری دارد؛
- باتوجه‌به این‌که مدت زمان زیادی از تدوین این فرهنگ‌ها می‌گذرد، واژگان جدید فارسی و روسی در این فرهنگ‌ها نیامده است و فقط در نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان - شجاعی» تعدادی از این واژگان افزوده شده‌اند؛
- نکته مهم در نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان - شجاعی»، سهولت جست‌وجوی معادل‌ها و وجود واژگان جدید روسی و فارسی و همچنین توجه ویژه به واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است؛
- فرهنگ «کلیفسوا» گرچه از نظر تعداد واژگان پایین‌تر از دیگر فرهنگ‌هاست، موارد رعایت‌نکردن معیارها در آن کم‌تر از فرهنگ‌های دیگر به چشم می‌خورد.

#### ب) از نظر خردساختار

- در هر سه فرهنگ، وجود مثال‌های کاربردی برای فهم بهتر معنای مدخل و کاربردشناسی آن بسیار مناسب است؛
- در همه فرهنگ‌ها اشکالات املایی دیده می‌شود؛
- باتوجه‌به قدمت این فرهنگ‌ها، واژگان منسوخ و یا کم‌کاربرد زیادی در آن‌ها ذکر شده است که در نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان - شجاعی» بسیاری از این اشکالات اصلاح شده‌اند.

باتوجه‌به مقایسه انجام‌گرفته، از نظر کلان‌ساختار و توجه به مخاطب ایرانی فرهنگ روسی به فارسی «کلیفسوا»، از نظر تعداد بالای واژگان فرهنگ «اوپچینیکوا و دیگران»، و از نظر شمول واژه‌های جدید روسی و فارسی نسخه جدید فرهنگ «واسکانیان» بر دیگر فرهنگ‌ها برتری دارد.

درکل، می‌توان گفت که فرهنگ‌های روسی به فارسی حاضر پاسخ‌گوی نیاز کاربران فارسی‌زبان نیستند و تدوین فرهنگ روسی به فارسی مناسبی ضروری است که در تدوین آن در درجه اول به نیازهای کاربران فارسی‌زبان توجه شده باشد.

#### کتاب‌نامه

- گلکار، آبتین (۱۳۹۳)، «نقد و بررسی ویراست جدید فرهنگ روسی به فارسی (گرانیت واسکانیان، با همکاری محسن شجاعی)»، فرهنگ‌نویسی، ش ۸

تحلیل میزان رعایت معیارهای خردساختار و کلان ساختار ... ۶۵

واسکانیان، گرانت آوانسوویچ (۱۳۹۱)، فرهنگ روسی به فارسی، به تصحیح محسن شجاعی، تهران: فرهنگ معاصر.

Zgusta, L. (1971), *Manual of lexicography*, Hague.

Апажев, М. Л. (2005), Лексикография: теория и практика, Прошлое, Настоящее, Будущее, Нальчик: Эльбрус.

Берков, В. П. (2004), Двухязычная лексикография, 2-е изд., М.: Астрель: АСТ: Транзиткнига.

Введенская, Л. А. (2007), Русская лексикография, М.: Ростов-на-дону.

Вомперский В. П. (1986), Словари XVIII века, М.

Восканян, Г. А. (1986), Русско-персидский словарь, Около 30000 слов, М.: Рус. яз.

Девель, Л. А. (2011), Двухязычная лексикография: алгоритм описания, Вестник СПбГУ, 2011, Сер. 9. Вып. 1, С 84-90.

Клевцова, С. Д. (1975), Русско-персидский словарь, Учебный: около 11000 слов, под ред. Г. А. Восканяна, М.: Рус. яз.

Крысин, Л. П. (2007), Современный русский язык, М.: Академия.

Лингвистический энциклопедический словарь (2002), Под ред. Ярцевой В. Н., М.: Большая российская энциклопедия.

Овчинникова, И. К.; Фуругян, Г. А.; Бади, Ш. М., Русско-персидский словарь (1965), под ред. Али Асадуллаева и Л. С. Пейскова, 36000 слов, М.: Советская энциклопедия.

Щерба, Л. В. (2004), Языковая система и речевая деятельность, М.: УРСС.